

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش هفتاد و سوم

۱۸ مارچ ۲۰۱۵

مبارزه با دشواری ها برای اجرای سیستم نوین جمع آوری و تدارکات

به کار بستن سیستم نوین جمع آوری و تدارکات با دشواری های بزرگ روبه رو شد. سیستم مذکور به سیاست حزب که هدفش تعیین عناصر سرمایه دار شهر و ده به سود توده های زحمتکش بود، تحقق بخشید. فرمان های جدید مالیاتی تکمیلی بر کولاک ها تحمیل کرد و راه احتکار را بر آنها بست. این امر یکی از دلایل عمده آن بود که کولاک ها از همان آغاز به مخالفت با سیستم نوین جمع آوری و تدارکات برخاستند و کوشیدند مضمون آن را مخدوش ساخته خصومت دهقانان را نسبت به دولت توده ئی بر انگیزند. آنها از این که دهقانان در آغاز از مزایای سیستم مذکور بیخبر بودند و تبلیغات حزب در این زمینه هنوز ضعیف بود سوء استفاده می کردند. آنها شعار هائی از این قبیل به کار بردند: «سیستم نوین فقط به سود کارگران و کارمندان است»، «دولت دهقانان را بدون خوراک و پوشاک گذاشته است. پس بیهوده بر روی زمین های خود تان کار نکنید»، «آن زمان رسیده است که دهقانان تهیدست از گرسنگی بمیرند»، «غلات را تحویل ندهید». کولاک ها در چند دهکده دانش آموزان دبستان ها را بر انگیزتند که کارت جیره بندی بخواهند. آنان برای این که فعالیت دشمنانه خویش را بپوشانند، از یک سو خود شان کلیه تعهدات برنامه جمع آوری محصولات کشاورزی و دامداری را انجام می دادند و از سوی دیگر دهقانان تهیدست و میانه حال را به تحویل ندادن محصولات تحریک می کردند. دهقانانی بودند که به تحریک کولاک ها از گرد آوری و انبار کردن محصولاتی که طبق نقشه کاشته شده بود خود داری ورزیدند تا مگر از تعهد تحویل غلات

معاف گردند، غافل از این که میزان تعهد مذکور نه بر اساس مقدار محصول برداشتی بلکه بر حسب مساحت زمین کشتمند معین می‌شد.

در روستاها در برابر فرمان‌های دولتی در مورد تحویل اجباری محصولات کشاورزی و دامداری و به ویژه گوشت نیز مقاومت‌هایی به ظهور رسید. برخی از کارکنان حزب در طی بحث در باره تصمیم‌کنگره اول در حین انتقاد از اشتباهات گذشته اظهار نظر کردند که تحویل اجباری در آینده از میان خواهد رفت و این امر تأثیر منفی در این زمینه گذاشت.

کمونیست‌هایی هم بودند که در دام کولاک‌ها افتادند. آنها در اثر پی‌نبردن به اهمیت سیستم نوین و دور‌نمایی که در برابر رشد مجموعه اقتصادی و به خصوص کشاورزی می‌گشود می‌ترسیدند از این که مبادا سیستم مذکور به دهقانان تهدیدست‌زبان برساند. برخی از دبیران سازمان‌های بنیادی، کمونیست‌ها و اعضای شوراهای توده‌ئی تحت فشار کولاک‌ها به مواضع اپورتو نیستی درغلندیدند و در برابر دشواری‌هایی که در اجرای فرمان‌های جمع‌آوری محصولات کشاورزی و دامداری پیش آمده بود، عقب‌نشستند. برخی دیگر دچار بدبینی شدند و در نزد کمیته مرکزی و رفیق انور خوجه به «تضرع» پرداختند که «فرمان‌های دولت درباره جمع‌آوری محصولات کشاورزی و دامداری درست نیست»، «کشاورزی روبه‌ورشکستگی می‌رود»، «دهقانان ناراضی‌اند» و غیره.

نامه سرگشاده رفیق انور خوجه زیر عنوان «درباره برخی از مسائل روستا» مندرج در «زری ای پوپولیت» در مارچ ۱۹۴۹، اهمیت بسیار در اصلاح وضعی که پیش آمده بود داشت. این نامه توضیح می‌داد که چرا سیستم نوین، ضروری است و به خصوص دور‌نمایی را که این سیستم در برابر رشد کشاورزی و به طور کلی اقتصاد توده‌ئی می‌گشود، برجسته می‌ساخت.

رفیق انور خوجه توجه سازمان‌های حزبی را به فعالیت خصمانه کولاک‌ها معطوف داشت. کولاک‌ها قادر بر آن نبودند که مبارزه علیه قدرت توده‌ئی را فقط با نیروی خویش از پیش ببرند و متحدانی لازم داشتند یعنی اشخاصی که به دنبال شعارهای آنان بروند و آنها را ترویج کنند. از این جهت می‌کوشیدند به ناخشنودی خود عمومیت بخشند و آن را به صورت ناخشنودی همه دهقانان در آورند و دهقانان را به ضد قدرت توده‌ئی برانگیزند. نامه رفیق انور خوجه کلیه کمونیست‌ها را دعوت می‌کرد که در پیشاپیش مبارزه برای اجرای سیستم نوین جمع‌آوری و تدارکات قرار گیرند، در برابر دشواری‌ها سستی به خود راه ندهند و با کار توضیحی خویش اثرات فعالیت خصمانه کولاک‌ها را در میان دهقانان از بین ببرند.

رفیق انور خوجه از کمونیست‌هایی که دید روشنی از رشد روستا و سیر آن در راه پیشرفت و شکوفندگی نداشتند، از کسانی که همچنان در اسارت روحیات عقب مانده بودند و بهانه می‌جستند که «دهقانان ما چیزی غیر از نفت و نمکی که در کشور تولید می‌شود نمی‌خواهد» انتقاد کرد، از جنبه ارتجاعی حکم مذکور که دهقانان را از هدف خویش و کوشش در راه افزایش رفاه خویش روی گردان می‌سازد و دور‌نمای رشد کشاورزی و ساختمان سوسیالیسم را در روستا تیره می‌کند پرده برداشت، توضیح داد که «حزب خلق را به سوی سوسیالیسم، به سوی زندگی سعادت‌مند و شکوفان رهبری می‌کند»، «او را به قرون وسطی بر نمی‌گرداند»، «حزب برای حال و آینده عمل می‌کند». شرایط زندگی را نمی‌توان بهبود داد مگر آن که کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و مراکز برق ساخته شود، مگر آن که کشاورزی در کلیه بخش‌ها مکانیزه شود، و به این هدف‌ها نمی‌توان رسید مگر آن که کشاورزی بتواند شهرها را از حیث محصولات کشاورزی لازم و صنایع را از حیث مواد اولیه تأمین کند.

رفیق انورخوجه توضیح داد که عیب در متن فرمان های مربوط به جمع آوری و تدارکات نیست بلکه درستی ارتباط بین کمونیست ها و توده های دهقان است، در فقدان کار توضیحی وسیع در روستاست.

نامه «در باره برخی از مسائل روستا» این اثر را داشت که مبارزه سازمان های بنیادی حزب و کمیته های حزبی بخش ها در اجرای صحیح و کامل تصمیم کمیته مرکزی و فرمان های دولت در مورد سیستم نوین جمع آوری و تدارکات توسعه یافت.

در اثر نامه رفیق انور خوجه، کمیته های حزب که عموماً تا آن موقع ایفای وظایف ناشی از جمع آوری و تدارکات را غیر ممکن می شمردند به درک نظریات صحیح رسیدند و از این روش باز گشتند. تدابیر بسیار گوناگونی اتخاذ شد تا دهقانان را به صحت سیستم نوین قانع گردانند و به مبارزه متشکل و مؤثرتر علیه دشمن طبقاتی دست زده شود.

عملی ساختن سیستم نوین جمع آوری و تدارکات به مانع دیگری نیز بر می خورد که عبارت بود از کمبود محصولات صنعتی که دولت برای مبادله با محصولات کشاورزی در اختیار داشت. نقایص کار بنگاه های بازرگانی نیز مانع توزیع کاملاً متشکل کالاها شده بود.

این نقایص از آنجا سرچشمه می گرفت که سازمان های حزب علاقه ای به مسائل اقتصادی نشان نمی دادند و پس از کنگره اول توجه خویش را بر روی مسائل داخلی حزب متمرکز ساخته بودند که مورد بررسی دقیق قرار گرفت و راه حل درست یافت. ولی به عکس، کوشش هایی که در ایفای وظائف اقتصادی به عمل می آمد ناکافی بود. به علاوه سازمان های حزب هنوز تجربه زیاد در رهبری اقتصاد نداشتند و بالنتیجه ابتکار به کار نمی بردند و منتظر می شدند که ارگان های مرکزی همه چیز را قطع و فصل کنند. غالباً مسائل اقتصادی با دید بسیار تنگ و فقط به منظور ارضاء نیازمندی های عاجل در نظر گرفته می شد.

کمیته مرکزی، این روش های اشتباه آمیز را مورد انتقاد قرار داد و از سازمان های حزب خواست که بکوشند تا سازمان محکم و رهبری سیاسی به مسائل اقتصادی بدهند و این نظریه که همه چیز را می توان با میتینگ و تظاهرات رو به راه کرد، به دور افکنند. همچنین از عقیده نادرستی که به تازگی در نزد برخی از کادر های حزبی و دولتی شیوع می یافت دائر بر این که اقتصاد ما را جز با تکیه بر کمک خارجی نمی توان پیشرفت داد، انتقاد شد. در چنین شرایطی حزب به کار پر دامنه ای دست زد تا اعتماد کادر ها و زحمتکشان را به نیروی خود شان تحکیم کند و این ایمان را در وجدان آنان جاگیر گرداند که عامل قطعی در ساختمان سوسیالیسم در البانی از منابع و نیروهای داخلی تشکیل می شود، کمک خارجی فقط عامل مکمل مهمی است.

حزب برای آن که نیازمندی های زحمتکشان از حیث محصولات صنعتی و کشاورزی بر آورده گردد تصمیم گرفت که پیشه وری کتو پراتیوی را تقویت و اشتباهانی را که قبلاً در این بخش روی داده بود، اصلاح کند. شورای وزیران برای تشویق افزایش محصولات کشاورزی و دامداری، اعتبار خاصی به کشت پائیزی ۱۹۴۹ اختصاص داد و در اثر اصلاحاتی که در طبقه بندی اراضی به عمل آورد مجموع مقدار محصولاتی را که در سال جاری از طریق تحویل اجباری می بایست جمع آوری شود ۱۵ درصد کاست.

حزب به خوبی می دانست که وظائف خطیری که در برابر اوست جز با تکیه محکم بر توده ها نمی تواند به سر انجام برسد. حزب کلیه دشواری هایی را که کشور از سر می گذرانید و در آینده می بایست بگذراند صریحاً در مقابل مردم عرضه داشت و مردم را به غلبه بر آنها دعوت کرد. هزاران زحمتکش شهر و ده در جواب این دعوت به بریگاد های داوطلبان کار در ساختمان کارخانه پارچه بافی «ستالین»، کارخانه قند مالیک و سایر تأسیسات نقشه

دو ساله پیوستند. عزم جزم خلق در ساختمان سوسیا لیسم بار دیگر به مناسبت انتشار نخستین قرضه دولتی به ظهور رسید. نام نویسی برای این قرضه به عمل سیاسی بزرگ توده نی تبدیل شد که در آنجا وحدت خلق و حزب، و وفاداری خلق نسبت به مشی حزب عیان گردید.

ادامه دارد...